

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۹ - شماره ۱۸ - پاییز و زمستان ۹۷

صفحات ۳۹ - ۶۸

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوربخشی در بلاغت نثر و ترسّل عصر صفوی

سید امیر جهادی*

چکیده

نسخه خطی آداب انشاء که بعضاً از آن با عنوان انشای عالم‌آرا یاد شده است، زاینده ذهن نقاد و طبع وقاد یکی از مترسلان، بلاغیون و شعرای معاصر شاه طهماسب صفوی است که تا کنون در پرده محمول و گوشه انزوا باقی مانده است. آداب انشاء در شمار متون نظری و آموزشی ترسّل محسوب می‌شود. مؤلف در ساختاری دقیق و منسجم، در یک مقدمه و سه بخش اصلی موسوم به لمعه و خاتمه، اهمّ مباحث نظری ترسّل را با رویکردی جدید و از منظر دانش بلاغت و بدیع بررسی کرده است. آنچه که از این کتاب در جمیع شش نسخه آن باقی مانده است، صرفاً فاتحه اثر و در برخی نسخ، بخش‌های آغازین لمعه اول است؛ بخش اصلی متن که مشتمل بر مطاوی انشاء و ترسّل است، در دست نیست. زاویه نظر نوربخشی در فاتحه آداب انشاء، هم در بین آثار ترسّل و انشاء و هم در میان آثار بلاغت فارسی، بی‌نظیر و کم‌سابقه است؛ چراکه اغلب متون آموزشی بدیع و بلاغت، نظم و شعر فارسی را مطرح نظر داشته‌اند؛ حال آنکه نوربخشی در درجه اول، عموماً از منظر نثر فارسی و در وهله دوم، اختصاصاً از زاویه علم انشاء و با رویکردی آموزشی و نمونه‌وار به بررسی فنون ادبی موردنیاز دبیران و منشیان در نثر منشیانه فارسی پرداخته است. توجه به آراستن متن مکتوبات، بیشترین اهتمام نوربخشی و منشیان روزگار صفوی است. علاوه بر مقوله مذکور، شواهد منقول، اغلب منشور و برخی شواهد منظوم از زبان خود مؤلف، متخلّص به سید است. شایان ذکر است در آغاز اثر، مطاوی نظری علم انشاء، ویژگی‌های آن و خصایص منشیان موردبحث قرار گرفته است. نگارنده در مقاله حاضر کوشیده ضمن متن‌شناسی آداب انشاء و بیان فواید و مزایای این اثر ممتاز دوره صفوی از منظر محتوایی و ساختاری، در باب شرح احوال و آثار نوربخشی و سبک متن اثر حاضر بحث کند.

کلیدواژه: نوربخشی، آداب انشاء، انشای عالم‌آرا، ترسّل، عصر صفوی.

۱. مقدمه

انشاء و نامه‌نگاری، یکی از اقسام نثر فارسی به حساب می‌آید. «ترسل یا هنر نامه‌نگاری و فنّ کتابت که در آن از آیین نویسندگی، روش، دستور آن و ایجاد کلامی که معانی را برساند، سخن به میان می‌آید، خواه قانون‌ها و قاعده‌های آن گفته شود و خواه نمونه‌ای از هرگونه نامه و اجزای آن را نشان دهند» (دانش‌پژوه، ۱۳۵۰: ۲۷). ترسل و نثر دبیری یکی از انواع پرمایه و استادانه نثر فارسی محسوب می‌شود. منشیان زبردست، خصوصاً در قرن ششم و هفتم هجری در مجموعه منشآت خود، قواعدی را به کار برده‌اند که سرمشق دبیران و منشیان اعصار بعد قرار گرفته است. «در میان پژوهش‌های ادبی، جای خالی تحقیق و پژوهش در ترسل و منشآت فارسی، به‌خوبی احساس می‌شود. مسلماً مطالعه و تحقیق در این باره، از یک‌سو پژوهندگان را در بازشناخت آداب نگارش و تطوّر ترسل و انشاء در دوره‌های مختلف یاری می‌کند و از سوی دیگر، افق‌های تاریک و زوایای پنهان تاریخی و اجتماعی را به‌روشنی باز می‌نماید» (واحد، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

منشآت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مجموعه نامه‌های دیوانی یا دوستانه که منشی دیوانی یا نویسنده غیردیوانی نوشته باشد» (صالحی، ۱۳۸۰: ۵۵). آثار انشاء و ترسل فارسی نیز در اقسام خاصی می‌گنجند:

۱. یک دسته از مجموعه منشآت که جنبه‌های ادبی و زبان‌شناختی آن‌ها بر جنبه‌های دیگر برتری دارد...؛ ۲. طبقه دیگری از منشآت که به جهت آموزش فنّ کتابت و نویسندگی فراهم شده‌اند و در آن‌ها بیشتر نظر به انشاء و طرز نامه‌نگاری بوده است و در برخی از این آثار، نویسندگان به آموزش اصول و قواعد کتابت و انشاء مبادرت ورزیده و بعضاً عاری از مضامین واقعی بوده‌اند... منشآت از این دست، غالباً توسط منشیانی چیره‌دست و درباری برای هنرنمایی در فنّ ترسل انشاء شده‌اند؛ لذا بعدها برای آموزش عملی [و نظری] انشاء الگوی هنرجویان این رشته و حتی دبیران قرار گرفته‌اند...؛ ۳. دسته دیگر از منشآت، تحت عنوان مجموعه اسناد و مکاتبات

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوری در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۴۱
تاریخی (و سیاسی) شناخته شده‌اند... این قبیل مکاتبات و نامه‌ها که در زمره نامه‌های
درباری و به اصطلاح قدیم از قبیل «سلطانیات اند»... (صالحی، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۶).

رسائل و مکاتیب باقی‌مانده از ادوار گوناگون تاریخی، از انواع مهم نثر فارسی
محسوب می‌شوند و از جهات مختلف، حائز اهمیت و درخور مطالعه، تحقیق و
بررسی‌اند. «این نامه‌ها که خوشبختانه از طوفان حوادث روزگار در امان مانده، حاصل
قلم نویسندگان و ادیبان نامداری‌اند که در طول تاریخ ادبیات، از شهرت و آوازه‌ای
بلند برخوردار بوده و برخی از آنان آثار و تألیفات ارزنده‌ای به نظم و نثر از خود به
یادگار گذاشته‌اند. نوشته‌های مذکور از منظرهای گوناگون ادبی، تاریخی، اجتماعی و
سیاسی، ارزش و اهمیت بسزایی داشته و پرداختن به آن‌ها در حیطه تحقیقات تاریخی
و پژوهش‌های ادبی ضروری می‌نماید. با مطالعه و بررسی دقیق این آثار می‌توان از
نکات و دقایق دستوری، لغوی، چگونگی کاربرد صنایع ادبی و سایر ویژگی‌های
سبک‌شناسی، اسلوب بیان در ترسل و شیوه نگارش مکاتبات رسمی و دیوانی که در
دربارها رایج بوده، همچنین از سبک نگارش نامه‌های خصوصی (اخوایات)، آگاه
شد» (جهادی، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۶).

ترسل در عصر صفوی، از حوزه‌های کثیرالتألیف متون نثر فارسی است. آثار ترسل
صفوی در دو طبقه جای می‌گیرند: ۱. مصنّفات نظری که صرفاً ذات کتابت و
نویسندگی را دست‌مایه قرار داده‌اند؛ ۲. مجموعه‌هایی که به «... شیوه مؤلفان پیشین،
در آن‌ها گذشته از بیان فرندهای انشاء، نمونه‌های منشآت به‌عنوان سرمشق نامه‌نگاری
و بیان دستورهایی در چگونگی عنوان‌ها و خطاب‌ها و لقب‌ها و صفت‌هایی لازم برای
هر یک از طبقات مردم، هنگام نامه‌نگاری و لحن مورد خطاب آنان، آمده است.
این‌گونه مجموعه‌ها از آن بابت اهمیت داشت که منشیان نوکار یا متوسط از آن‌ها
هنگام تنظیم نامه‌ها استفاده می‌کردند تا بتوانند حدّ هر کس را رعایت کنند یا در
نامه‌هایی که از جانب مخدوم خود و به صحه آنان فراهم می‌آوردند، دچار خطا و
اشتباه نشوند» (صفا، ۱۳۸۲: ۵/۱: ۴۰۵-۴۰۶). «از منشیان دوره صفوی هم، خواه آنان

که در ایران و در دستگاه صفویان بوده‌اند و خواه آنان که در هند در دستگاه گورکانیان و سایر امرای محلی به سر می‌برده‌اند، نامه‌های تکلف آمیزی در دست است که از بزرگ‌ترین آن‌ها میرزا طاهر وحید قزوینی (د ۱۱۲۰ق) است که منشی و مورخ دربار شاه عباس دوم و وزیر سلیمان بوده است...» (رستگار فسایی، ۱۳۹۲: ۲۰۴). برخی از آثار مطرح ترسل و انشاء در عصر صفوی عبارت‌اند از: لطائف الانشاء، صحیفه الاخلاص، صحایف الاخبار، انشاء یوسفی یا بدایع الانشاء، ارشاد الطالبین یا انشاء هرکرن، ترسل منصور، ضوابط الانشاء، تحفه السلطانیه، منشآت سلیمانی و نورس چمن. غالب این مجموعه‌ها تاکنون تصحیح، شناسانده و طبع نشده‌اند.

۱-۱. بیان مسئله: انشاء عالم‌آراء در شمار متون پراهمیت ترسل در عصر صفوی است که علاوه بر ارزش‌های بسیار از باب آموزش مطاوی نظری ترسل و دقایق این فن، ذکر نمونه‌های عملی را نیز در دستور کار قرار داده است. از ویژگی‌های ممتاز و کم‌نظیر آداب انشاء، ذکر و بررسی مباحث بلاغی و بدیعی است. زاویه نظر نوربخشی در اثر، اولاً به نثر فارسی و در مرتبه دوم به نثر انشاء و ترسل فارسی است. مسئله اصلی جستار کنونی به واسطه ناشناخته ماندن آداب انشاء، کوششی است در جهت بررسی دقیق ساختاری، محتوایی و سبکی اثر و بیان فواید و مزایای کتاب از لحاظ بلاغی و فن انشاء. علاوه بر این، نگارنده این مقاله درصدد است تا حتی‌الامکان شرح احوال و آثار نویسنده آداب انشاء را بررسی و نسخه‌های باقی‌مانده از این اثر را که بعضاً در فهرس نادرست معرفی شده‌اند، احصا کند.

۱-۲. پیشینه تحقیق: درمورد این اثر تاکنون پژوهشی جامع و مفصل که جنبه‌های مختلف بلاغی و ترسل را در آن کاویده باشد، نوشته نشده است. تنها نوشتاری که در پیشینه شایان ذکر است، نوشته کوتاهی است در چهار صفحه به‌عنوان «نسخه خطی انشای عالم‌آراء» نوشته فرزانه مازندرانی که در شماره ۲۴۱ مجله کیهان فرهنگی، صفحات ۶۴ تا ۶۷ به چاپ رسیده است. نویسنده مقاله مذکور صرفاً به بیان فهرستی از مطالب کتاب نوربخشی بسنده کرده و به بررسی متن‌شناسی، سبکی و

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوریخشی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۴۳
انتقادی اثر پرداخته است. شایان ذکر است مازندرانی فقط سه نسخه از اثر (نسخه دانشگاه تهران و دو نسخه آستان قدس رضوی) را ذکر کرده و نامی از سه نسخه دیگر اثر به میان نیاورده است.

از لحاظ ارزش فراوان آداب انشاء از باب بلاغت نثر و ترسل و انشای دوره صفوی و عدم بررسی دقیق متن‌شناسی و ساختاری اثر، ضرورت دارد تا با نگاهی دقیق و موشکافانه، وجوه اهمیت این متن مهم را به نحوی بارز خاطر نشان ساخت. روش پژوهش حاضر، مبتنی بر توصیف و تحلیل محتواست.

۲. بحث

۱-۲. شرح احوال و آثار مؤلف: نام نویسنده اثر بنا به مندرجات فهرست‌های نسخ خطی، محمدبن ناصر الحق حسینی نوریخشی است. به جنبه شاعری وی نیز اشاره شده و اینکه متخلص به سید بوده است. در انشای عالم‌آرا (آداب انشاء) اشعار بسیاری از نوریخشی درج شده است. در باب نوریخشی و احوال او به‌رغم بررسی اغلب و اهم آثار متقدم و متأخر، مطلبی یافت نشد. گویا وی در زمره پیوستگان و وظیفه‌خواران دستگاه شاه طهماسب صفوی محسوب بوده است. البته با توجه به تعداد کثیر علما، شعرا، ادبا و سایر اصناف برجسته در نظام صفوی، احتمالاً نام و نشان نوریخشی در میان آن همه رجال، رنگ باخته و بی‌فروغ گشته است. در متن آداب انشاء نیز مطلبی که ناظر به احوال وی باشد، دیده نمی‌شود. رویکرد ایدئولوژیک نوریخشی به آیین تشیع در فحوی متن، بسیار قوی و غالب است؛ منظری که بیشتر با معتقدات عرفانی وی همراه شده است. جالب توجه آنکه مؤلف حتی در صدد اثبات حقانیت شیعه و بحث ولایت امام علی (ع) و ائمه معصوم (ع) نیز برآمده است. نکته شایان توجه دیگر در خصوص معتقدات نوریخشی، پرداختن به مباحث تفسیر قرآن است.

از نوریخشی دو اثر باقی مانده است: یکی همین کتاب مورد بحث نوشتار فعلی است که به نادرستی در فهرس نسخ خطی از جمله دنا به دو عنوان آداب انشاء و

انشای عالم‌آرا ثبت شده است؛ حال آنکه این دو عنوان، دال بر یک اثرند که خود مؤلف در متن از آن غالباً با عنوان دوم یاد کرده است؛ هرچند اشاره آشکاری به عنوان نشده است.

نوربخشی در ضمن بحث از معنیات در *آداب انشاء*، به عنوان یکی دیگر از آثار خویش نیز اشاره کرده است؛ اثری موسوم به رساله *فتح‌نامه شاه دین* که نام این اثر با ویژگی ماده تاریخ، نمایانگر سال تألیف اثر، ۹۵۴ قمری است. با توجه به فحوای بحث که سخن از گشودن رمز آیات متشابه قرآن و مؤذای آیه نور است - و نظر نوربخشی مبنی بر وهبی بودن دریافت‌های قرآنی که به گونه‌ای شهودی بر قلب سالک وارد می‌شود - اثر مذکور را باید نوعی تفسیر محسوب کرد.

۲-۲. هدف تألیف: در این باب نوشته است که: «سبب این املا و انشای عالم‌آرا، اشاره به نام خورشید مآثر منشیان عالی‌شان... آنکه مدتی مدید و عهدی بعید بود که بعضی از اجلاء و... مبالغه تمام و الحاح مالاکلام می‌نمودند... که فقیر لایل البضاعه... ابن ناصر الحسن محمد الحسینی النوربخشی... بعضی فقرات شیرین نکات به عبارات فصیح و استعارات ملیحه در طرز مکاتبات و مراسلات و سوق قبالات و مسکات و سایر صکوک و سجالات از هر باب منظوی بر صنایع و محسنات و ادات انامل اظهار و اقلام ایماء و اشعار بر صفایح صحایف روزگار نگارد و رقعۀ استعداد و صحیفۀ رشد و رشاد را موشح به حروف بدایع و ممتع به صنوف صنایع از سواد خفا و مسوده اختفا به بیاض اظهار و افشا آورد...» (نوربخشی، بی‌تا: ۱۳-۱۴). نویسنده این مقصد را همواره در ذهن داشته، با این حال، به علتی که آن را چنین ذکر می‌کند: «کوکب مقصود از افق وجود نامعدود طلوع و سطوع نمی‌نمود» (نوربخشی، بی‌تا: ۱۴)، نگارش اثر را آغاز نمی‌کرد تا آنکه سعادت قرین وی شده و تألیف اثر را در دارالسلطنه اصفهان، در سال ۹۵۶ هـ.ق آغاز می‌کند (نوربخشی، بی‌تا: ۱۴). پس از بیان سبب تألیف و سال آغاز اثر، به نام وزیر شاه طهماسب نیز اشاره کرده، او را می‌ستاید.

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوریخی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۴۵
مصنّف البته تصنیف این اثر را مرهون آرامش خاطری می‌داند که در ایام صدارت
میرمیران شامل حال او شده است.

درخصوص موضوع کتاب نیز چنین نوشته شده است: «رساله جامعه منظوی بر
فقرات منشآت و مقاله نافعہ مبتنی بر ادات و صنایع و محسنات این فن بلاغت غایات
مانند درهای شاهوار و گوهرهای آبدار در سلک نظم و رشته ترتیب درآورد...»
(نوریخی، بی تا: ۱۶).

۲-۳. **نسخه‌شناسی اثر:** از *آداب انشاء نوریخی* شش نسخه موجود است.
مشخصات دو نسخه این اثر با توجه به *دنا* در جلد اول ذیل عنوان *آداب انشاء* به قرار
زیر است:

۱. نسخه دانشگاه تهران به شماره ۴۴۸۷، نستعلیق قرن ۱۱، ۱۴۴ برگ و در اندازه
۱۸*۷ سانتی‌متر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و به عنوان «رساله در آداب انشاء»
محفوظ است. نسخه دانشگاه فقط تا پایان فاتحه را دارد و به رقم ناقص کاتب ختم
شده است.

۲. نسخه کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) به شماره ۷۰۹۴/۲، بدون
تاریخ کتابت، در ۲۸ برگ و نسخه‌ای ناقص است که اول و آخر آن ساقط شده است.
(درایتی، ۱۳۸۹: ۲۱/۱).

در فهرست *دنا*، از اثر موردبحث در دو موضع و دو عنوان یاد شده است، حال
آنکه هر دو عنوان دالّ بر یک اثر است. مشخصات سه نسخه دیگر این کتاب ذیل
عنوان *انشاء عالم‌آرا* در جلد دوم *دنا* عبارت است از:

۱. نسخه آستان قدس رضوی به شماره ۷۱۳۱، نستعلیق، قرن ۱۰، در ۱۰۹ برگ.
۲. نسخه آستان قدس رضوی به شماره ۱۳۴۲۶، تحت عنوان منشآت نوریخی، به
خط نسخ و تاریخ کتابت شوال ۹۸۲ قمری، در ۱۶ برگ. نسخه‌های آستان قدس
رضوی فقط تا میانه لمعه اول را دارند.

۳. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۷۵۷، نستعلیق و تاریخ کتابت شوال ۱۱۲۶، در ۱۴۳ برگ. این نسخه نیز فقط تا چند برگ از لمعه اول ادامه یافته است. (درایتی، ۱۳۸۹: ۲/۲۰۲)

نسخه دیگری از آداب انشاء در کتابخانه ملی ایران محفوظ است که در فهرست دنا ثبت نشده است. این نسخه به شماره ۵-۷۶۷۳ در کتابخانه ملی ثبت شده است و ۱۰۹ برگ دارد. این نسخه نیز ناقص الانجام است و فقط تا اواخر فاتحه را در بر دارد. تاریخ تاج گذاری محمدشاه قاجار فرزند فتحعلی شاه در اشعار صفحه ۱۸۴ آمده است که احتمالاً مربوط به کتابت کاتب باشد. انجام این نسخه ناقص است. در حاشیه این قسمت، نامه‌هایی است که به اشخاص نوشته شده و عنوان‌ها با خط قرمز است.

مرحوم دانش پژوه نیز به استناد فهرست نسخه‌ها از اثر حاضر با دو عنوان یاد کرده است: «محمد بن ناصر الحق حسینی نوربخشی متخلص به سید بنام شاه تهماسب در اصفهان دستور انشاء در سه بخش نگاشته است (فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۲۱۰۰). سپهسالار ش ۲ / ۷۰۹۴ (۴: ۴۲۷). همچنین از اوست انشاء عالم آرای که به نام شاه تهماسب و وزیرش میزا فضل الله میر میران در ۹۵۶ در اصفهان در یک فاتحه و سه لمعه و یک خاتمه ساخته است (فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۲۰۸۴). آستان قدس ۱۶۴ (۷: ۲۰۹). دانشگاه ۴۴۸۷ از سده ۱۱» (دانش پژوه، ۱۳۵۰: ۴۶-۵۲).

در این جستار اغلب شواهد از نسخه کتابخانه دانشگاه تهران، ذکر شده است. ارجاعات مربوط به این نسخه به شیوه معمول آورده شده است: (نوربخشی، بی تا: شماره صفحه نسخه). در برخی شواهد هم به نسخ کتابخانه‌های مجلس و ملی استناد شده است. این دسته از شواهد با ذکر عنوان کتابخانه صاحب نسخه، معلوم شده‌اند.

۲-۴. متن شناسی اثر: عبارات آغازین متن اثر در نسخه دانشگاه تهران ساقط

شده است. در نسخه کتابخانه ملی ابتدای متن نقل شده است. بنا به سیاق معمول نگارش دیوانی در آثار منثور، نسخه با تحمید خداوند متعال و ستایش نبی مکرم اسلام آغاز می‌شود. با توجه به آیین رسمی تشیع در عصر صفوی، نوربخشی رشته مدح را به

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوریخی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۴۷

ستایش امامان معصوم (ع) پیوند می‌دهد و عباراتی مبسوط و شاعرانه در این ضمن می‌نگارد. در ادامه به مدح شاه طهماسب پرداخته است (آداب انشاء، نسخه کتابخانه ملی: ۶). موضوع اثر با عنایت به براعت استهلال مندرج در عبارات آغازین متن مشهود است: «... پس دوات دهان بسته و قلم زبان شکسته این حیران خسته، چگونه مدحی شایسته و حمدی بایسته او را تواند نمود و بنان بیان این پریشان بی‌سامان کجا زبان ادا به مدح و ثنای آن خدایگان زمان و مظهر سر یزدان تواند گشود...» (نوریخی، بی‌تا: ۲).

متن به شعری در ستایش شاه طهماسب صفوی مطرز شده است. از ویژگی‌های بارز سبکی اثر، استشهاد اشعار فراوان است که اغلب در چند بیت آورده شده‌اند. از نکات شایان ذکر دیگر آنکه نوریخی اشعار خویش را هم در جای‌جای عبارات درج کرده است. تخلص وی سید است:

سیدا کام دل از شهد دعا کن شگرین نطق طوطی بیان را زین شکر شیرین نما
(نوریخی، بی‌تا: ۴)

پیش از یادکرد نام شاه طهماسب صفوی، القاب زیادی برای وی برشمرده است که این خود یکی از سنت‌های ترسل در هنگام نام‌بردن از بزرگان است: «... پادشاه جم‌جاه، فلک‌بارگاه، کیوان‌رفعت، برجیس‌حشمت، بهرام‌صولت، خورشید‌طلعت، ناهیددولت، عطارد‌رأفت، ضمیرمنزلت، محمدذات، علی‌صفات، حسن‌صورت، حسین‌سیرت، عابدعبادت، باقری‌حسب، جعفری‌مذهب، موسی‌نسب، رضوی‌رضای، تقی‌تقوای، نقی‌سخای، عسکری‌رایت، مهدی‌هدایت». در ضمن القاب یادشده به نام امامان شیعه اشاره شده است و سپس القاب عربی برای ممدوح آورده است: «سلطان سلاطین الزمان، برهان اساطین الاوان، خلیفه رب العالمین و نایب مناب ائمه المعصومین صلوات الله و سلامه علیهم... السلطان ابن السلطان و الخاقان بن الخاقان ابن الخاقان... سلطان شاه طهماسب الحسین بهادر خان...» (نوریخی، بی‌تا: ۷-۸).

۲-۴-۱. بحث نظری دربارهٔ انشاء و شرایط منشی: آداب انشاء را در درجهٔ نخست باید اثری در نوع (ژانر) ترسل و نامه‌نگاری فارسی محسوب کرد. مصنف اثر وجههٔ همّت خویش را در این متن بر اسلوب‌های شیواسخنی در مکاتیب رسمی و غیررسمی بنیاد نهاده است. غالب متون ترسل و انشاء با نقل نامه‌های رسمی و تاریخی می‌کوشند که الگوهایی عملی برای مترسلان بیاورند و گروهی دیگر از متون با رویکرد نظری سعی بر آن دارند که اسلوب‌های نگارش دیوانی و رسمی را در ساختاری منظم و همراه با مکتوبات نمونه مانند و فاقد ارزش تاریخی برای مخاطبان، توضیح دهند. آداب انشاء را باید در شمار گروه دوم لحاظ کرد. نکته‌ای که در این اثر در میان آثار مشابه، بسیار بدیع و نوآیین است، آن است که نوربخشی در بخش نخست آداب انشاء (فاتحهٔ اثر)، بر بلاغت و شیوه‌های نیکوسخنی در نثر فارسی و بالاخص نثر ترسل و انشاء تمرکز کرده است. مقولهٔ مذکور هم در میان آثار بلاغی و هم در آثار انشاء و ترسل، کم‌نظیر است. رویکرد نوربخشی در تبیین و طبقه‌بندی مباحث دانش انشاء، تقریباً مشابه با خواجهٔ جهان در مناظر الانشاء است.

این اثر بیشتر رویکردی نظری در دانش ترسل دارد؛ از این حیث می‌توان آداب انشاء را با آثاری نظیر دستور دبیری، مناظر الانشاء خواجهٔ جهان، مخزن الانشاء کاشفی، ترسل مروارید کرمانی و ترسل اسفزاری قیاس کرد. در این گونهٔ متون، مترسلان بیشتر کوشیده‌اند تا مبانی و چارچوب‌های نظری و آموزشی دانش انشاء را به گونه‌ای مدوّن ارائه کنند؛ به نحوی که هم برای کاتبان و دبیران رسمی و سلطنتی مفید افتد و هم طبقات فاضل جامعه بتوانند در مکتوبات غیررسمی موردنیاز اجتماعی‌شان از آن سود برند. در این قسم معمولاً مکتوبات، حالتی نمونه‌وار دارند؛ اگرچه در برخی آثار، جنبه‌های تاریخی و نامه‌های مشخص و نشان‌دار نیز ملحوظ است.

متن اصلی اثر با بیان مطالب تعلیمی فن انشاء و ترسل آغاز می‌شود. از شیوهٔ نوربخشی در این اثر چنین مستفاد می‌شود که وی قصد داشته اثری آموزشی در باب

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوریخی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۴۹
فن انشاء عموماً و ترسل دیوانی خصوصاً تدوین و تصنیف کند؛ از همین روی، پیش از
آغاز فصول اصلی کتاب، مقدمتاً اقسام فن انشاء را برشمرده است. این دسته‌بندی
به گونه‌ای جامع، انواع مکتوبات رسمی و متداول را ذکر کرده است:

«۱. یکی صنوف انشاء در طرز عرضه داشت، متضمن عرض حاجات و رفع
مدعیات و ملتسمات که فقیران شکسته‌بال از روی عجز حال و پریشانی احوال به
مسامع جلال... و اجلال صدرنشینان مجالس اقبال... می‌رساند؛ ۲. دیگر رقعات و
مکاتبات مشتمل بر اهدای دعوات و انشای مدحات منظر شوق و غرام و متضمن الحاح
و مرام و امثال آن که اکفا و اقران و سایر ارباب درجات علی اختلاف مراتبهم به
یکدیگر نویسد؛ ۳. دیگر امثله و احکام که از عتبات عالیات ائمه انام... و دیوان
سلاطین و حکام و مجالس صدر عظام و قضات اسلام و امرا و وزرای ذوی العز...
مشتمل بر تفویض مناصب علیه و مراتب جلیه و ترتیب احکام شرعیه و عرفیه...؛ ۴.
دیگر قبالات شرعیه و تمسکات و وقف‌نامه‌جات... مبنی بر مبیعات و معاملات و مبنی
از انفاق تصدقات...؛ ۵.... سجلات و صورت شهادت که بناء علی الاشهاد... قضات
ثقات... بر صکوک و سجلات به اقلام افادت آیات و ارقام افاضه غایات مسطور...
نمایند؛ ۶.... محضرها و اتفاق‌نامه‌جات و تذکرها مصدق مطالب و مبین مقاصد و مآرب
که ارباب دین و دولت... جهت اصلاح حال انام و اصلاح احوال خواص و عوام به
کمک گوهر بار... محلی فرمایند؛ ۷.... تواریخ و حکایات و قصص و محاورات
محتوی بر حال اسلاف اطراف و منظوی بر احوال اخلاف اکناف که مورخان
روزگار... برای ایقاز ارباب حشمت... نگارند؛ ۸.... دیباچه کتب و قصاید و رسایل
کثیرالفواید که عارفان محقق از سواد خفا به بیاض ظهور... آورند؛ ۹.... نسب‌نامه‌ها
متضمن تصحیح انساب و تصریح اعقاب و نسبت‌نامه‌ها... که سادات عظام و نقباء کرام
و موالی و مشایخ... به خطوط شریف موشح... نمایند؛ ۱۰.... کتابه به عمارات از
مدارس و بقاع الخیرات و معابد و مصامع المبرات... که خوش‌نویسان... دوران... مرقوم
گردیده به اقلام فرخنده فرجام... مرقوم نماید» (نوریخی، بی تا: ۲۶-۲۹).

در ادامه دیباچه و از منظری دیگر اقسام سه‌گانه‌ای برای انشاء به شرح زیر احصا کرده است: قسم اول را مقصودنویسی نامیده و منظور از آن را «درج مدعا در طی عبارات اقصر و فقرات مختصر» می‌داند. نوربخشی این رویکرد ایجازگونه را برای متصدیان اعمال و ارباب حاجات بایسته دانسته است، بدین علت که «محتمل است که با کثرت اشتغال به سبب اطالت مقال نظر التفات» بر مکتوبات تقاضایی افراد نیندازد (نوربخشی، بی تا: ۲۹-۳۰). قسم دوم را «عبارت‌آرایی یا سخن‌پردازی» ذکر کرده است. در این نوع نیز نگارنده مکتوب را به ذکر مختصر مدعا و مقصر مقصود توصیه کرده است؛ اما اندکی استعمال «فنون عبارات و شحون استعارات» (نوربخشی، بی تا: ۳۰) را نافی مقصود نمی‌داند. آخرین قسم مذکور، سخن‌آفرینی است. این قسم مکتوبات و نامه‌هایی است که منشیان و مترسلان دیوانی از جانب و ناحیه اکابر و اعیان و اعالی و در قوالب گونه‌گون ترسل به اکفا و اقران و انصار و اعوان امور می‌نگارند. در این قسم، نوربخشی دبیران را به رعایت اقتضای حال و ایراد مضامین مناسب وضع و استعمال افصح استعارات» سفارش می‌کند (نوربخشی، بی تا: ۳۱).

۲-۴-۲. توصیه‌های کتابت و انشا: پس از ذکر اقسام سه‌گانه، توصیه‌هایی را خطاب به دبیران بیان کرده است: ۱. منشیان باید هنگام «ایراد انشاء و بیان مقصود و مدعا... معنی سرور انگیز و مضمونی لطافت آمیز» در خاطر آورند (نوربخشی، بی تا: ۳۴)؛ ۲. «کیفیت ربط و ترتیب» نگارش معانی پس از اندیشیدن و تعمق باشد (نوربخشی، بی تا: ۳۲)؛ ۳. نگارش مسوده مکتوب پیش از بیاض اصلی ضروری است (نوربخشی، بی تا: ۳۳)؛ ۴. «بازدید و اصلاح» نهایی و نگارش بیاض مکتوب مشتمل بر «عبارات فصیح و درر غرر استعارات ملیحه... و اشعار...» (نوربخشی، بی تا: ۳۳).

۳-۴-۲. رویکرد انتقادی به علم انشا: از نکات شایان ذکر در دیباچه، رویکرد انتقادی نوربخشی به مجموعه نامه‌های منشیان و نیز کیفیت آموزش مباحث ترسل و انشاء است. آنچه که در درجه اول مطمح نظر نوربخشی در انتقاد به منشآت متقدمان است، آثاری است که «عباراتش محض ترکیب لغات عربی و ترتیب الفاظ

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوریخشی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۵۱
اجنبی» (نوریخشی، بی‌تا: ۳۳-۳۴) است و به مرور زمان، سبب ملال خاطر مخاطبان گشته است. ایراد دیگری که صاحب آداب انشاء بر منشیان پیشین می‌گیرد، بی‌توجهی آن‌ها به «بیان صنایع و محسنات و... ایراد بدایع این فن بلاغت غایات...» (همان: ۳۴) است. البته وی برای خویش در این حیطة، فضل تقدّمی قائل است. به نظر نوریخشی، این ویژگی در اثر او برای مبتدیان، سبب حصول به مقصود و اطلاع بر دقائق فن انشاء است.

از نظر نوریخشی، فن انشاء، اولاً رعایت آداب خطاب و مراعات اقتضای احوال کاتب، مکتوب‌له و مکتوب‌ألیه بنا به اختلاف درجات آن‌هاست، ثانیاً «ملاحظه عرف هر زمان و هر مکان بر وجهی که متضمّن مقصود و مفید مدعا باشد...» (همان: ۴۲) تا مراد مکتوب به حصول پیوندد. معیار مهم برشمرده بعدی، رعایت جایگاه و قدر درک و فهم مخاطبان نامه است. «... دیگر ملاحظه استعداد مکتوب‌ألیه ... به قدر استعداد هر فرد از افراد و فراخور علم...» (همان: ۴۷). قاعده برشمرده بعدی برای منشیان، آگاهی به دانش لغت، اصول و احکام شریعت و اصطلاحات علمی و مصطلحات فنون محاسبان، مهندسان، حکما، منجمان، شعرا، اطبا، نویسندگان و سایر اصناف است؛ زیرا از دیدگاه نوریخشی، «وقوف بر این مقدمات در بعضی اوان از محسنات و مستحسنات از این فن بدایع آیات است» (همان: ۵۳-۵۴). دُدیگر آنکه از عهده تنظیم و تدوین احکام و پروانجات و اسانید و سجلات بر نخواهد آمد. (همان: ۵۴) و عدم آگاهی منشی از علم لغت به ناتوانی او در «اقتباس آیات... و ایراد کلمات...» (همان) منجر خواهد شد.

نوریخشی در ادامه، منشیان را به سه گروه تقسیم کرده است:

۱. «یکی، صاحب بیان که عبارات دلگشا و استعارات عالم آرا... می‌نگارد...»؛
۲. «... دیگری، صاحب بیان که حکایات سرورانگیز... در حیّز تقریر در می‌آورد...»؛
۳. «... دیگری، صاحب بنان و بیان هر دو که هم تحریرش به فصاحت کلمات آراسته و هم تقریرش به بلاغت عبارات پیراسته...».

این طبقه‌بندی ناظر به مهارت ادبی منشیان در کاربرد آرایه‌های بلاغی و استشهادهای حکایات و اشعار و... است (همان: ۵۵).

۲-۴-۴. **ساختار اثر:** مؤلف درخصوص ساختار کتاب می‌نویسد: «بناء علی ذلک فقیر داعی... را به خاطر فاطر رسید که ترتیب این رساله بر وجهی که کاشف جمیع این مراتب باشد، داده، هر یک از ادات و محسنات و صنایع و بدایع... را به توصیف و تعریف بیان کند و معانی بر طبق هر کدام ایراد نماید و بعضی صنایع که مخترع راقم این صحیفه کثیر البدایع است به خامه اشعار... نگارد و بعضی مسودات که قبل از این اوقات در هر باب درست نموده بود، در این ایام فرخنده فرجام از سواد به بیاض برده... تا هر طالب را به قدر استعداد... از مواید آن، فواید بی‌پایان رسد...» (همان: ۳۶-۳۵).

کلیت اثر مشتمل بر پنج بخش است: مقدمه که آن را «فاتحه» نامیده است، سه بخش اصلی مسماً به لمعه و پایان‌بخش اثر، موسوم به «خاتمه». بعضی از لمعات به اجزای فرعی کوچک‌تری تحت عنوان «ضوء» تقسیم شده‌اند. فاتحه: فاتحه اول در افشای معنی انشاء و بیان صنایع و محسنات و ایمای آداب این فن بلاغت‌غایات. فی‌الواقع آنچه که از آداب انشاء در نسخ مذکور آن باقی مانده، مندرجات فاتحه اثر است که غالباً بلاغی و تا حدودی بررسی مبادی نظری انشاء و ترسّل است. لمعه اول: در مکاتبات ارباب مراتب و مراسلات اصحاب مناصب... (همان: ۳۶). در نسخه مجلس *آداب انشاء* پس از پایان یافتن بررسی فنون بلاغی در فاتحه اثر، لمعه اول مشتمل بر دوازده ضوء ذکر شده است (نسخه مجلس آداب انشاء: ۷۱-۷۳ب). لمعه دوم: مشتمل است بر دو ضوء، ضوء اول در ایراد بعضی آیات باهرات قرآنی و کلمات طیبات... مناسب حال اشخاص و متقارن بعضی مضامین خاص... و ابیات متناسب در ذیل آن مذکور ساخته. ضوء دوم در فقرات متفرقه که در طی رقعات و سایر مکاتبات به هرگونه تقریرات مندرج توان ساخت مشتمل بر تعاریف اشیاء... لمعه سوم در ایراد رقع و مکاتبات و احکام و پروانجات و... محضرها و وقف‌نامجات و غیر ذلک. خاتمه

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوریخی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۵۳
اثر، نظیر برخی کتب سابق، چون ترسل اسفزاری، جنبه فکاهی‌مانند و سرگرم‌کننده
یافته است. در انتهای کتاب، نوریخی به نقل «امثله، ظرایف، هزلیات و لطایف که
موجب نشاط خواطر و مستجلب بسط و انبساط ضمائر است...» توجه نشان داده است
(نوریخی، بی تا: ۳۸-۳۷).

علاوه بر بیان مطالب تعلیمی، نوریخی به صراحت در مقدمه متذکر شده است که
نامه‌هایی را که وی «در سوابق ایام... به بعضی از حضرات عظام و مخادیم کرام
نوشته... از سواد به بیاض... نقل نموده» (همان: ۳۷). بنابراین، این کتاب در شمار نادر
کتب ترسلی است که در کنار نقل نمونه‌های عملی انشاء، به مقوله نظری و آموزشی
کتابت نیز پرداخته است. در پایان دیباچه، بنا به سیاق معمول، اعتداری نسبت به
سخن‌آرایان و منشیان درباری نگاشته، خواستار آن است که اثر او را «به عین عنایت
ملحوظ سازند و به عیون اعراض نظر اعتراض بدان نیندازند...» (همان: ۳۹).

۲-۴-۵. بلاغت نثر و نقد نثر: رویکرد نوریخی در آداب انشاء به علم ترسل،
رویکردی کم‌سابقه و نگاهی تعلیمی و آموزشی است که در میان این قسم متون،
کم‌نظیر است. گویا وی سعی دارد فراتر از سایر منشیان که صرفاً به نقل نمونه منشآت
خود می‌پرداخته‌اند، به گونه‌ای نظری، مبادی و مبانی کتابت و انشاء رسمی را برشمرده،
تحلیل کند. بدین روی، نوریخی محسنات انشاء را نیز احصا کرده و با نظری انتقادی
بدان نگریسته است. وی مهم‌ترین ویژگی را «سلاست عبارت و سنجیدگی سخن از
روی فصاحت و بلاغت» دانسته، در ادامه می‌نویسد: «و ملاحظه قرب مخارج و حروف
و استعمال الفاظ مأنوسه که موجب عدم تنفر و مستجلب انبساط طباع ارباب تفکر و
اصحاب تدبّر است، دیگر تسجیع که التزام مراعات سجع است... و در این مقام مراد
ایراد الفاظ موازنه است مقید به حروف روی در اواخر فقرات مشابه قوافی
اشعار و ابیات...» (همان: ۵۶).

برخی محسنات برشمرده برای فن انشاء از باب رویکرد بلاغی، حائز اهمیت‌اند.
در ضمن بحث سجع، به تعریف سجع و بیان اقسام آن نیز پرداخته است که نشانگر جنبه

بدیعی بودن کتاب هم هست. حتی در این مقوله، به نقد سجع هم پرداخته است: «... و می باید که سجع، متمم کلام و محل فرود آوردن و اتمام آن باشد؛ مثال: آتش فراق و نیران افتراق که خدام گرام برافروخته، اشتعال و التهاب آن دل حیران و جان ناتوان را سوخته» (همان: ۵۷). نوربخشی سجع را به تفصیل و در اجزای فرعی و به صورت انتقادی و با ذکر نمونه‌های بسیار بررسی کرده است.

۲-۴-۶. **فاتحه کتاب:** فاتحه *آداب انشاء* به بیان «آداب و محسنات و صنایع این فن بلاغت غایات» (همان: ۳۹) اختصاص یافته است. در ابتدای بحث، وجه لغوی واژه «انشا» را بیان کرده و به استشهد آیات قرآنی در این باب پرداخته است. سپس به تعریف اصطلاحی این واژه اشاره کرده، می‌نویسد: «در اصطلاح ارباب فصاحت و اصحاب بلاغت آن سخن آخرین معجزیان و شیرین مقال که... ابداع کلام در نظام و ایجاد جواهر زواهر فرخنده فرجام «کانهن الیاقوت و المرجان»... به قوت ذهن سلیم و فهم و فطانت مستقیم نماید و در حجال افکار، عرایس نفایس معانی ابکار را به جواهر زواهر فصیح و درر غرر استعارات ملیحه آراسته و پیراسته دارد، او را منشی گویند» (همان: ۴۹-۳۰). تعریف مذکور، اولاً بسیار فراتر از صرف فن ترسل و انشاست و ثانیاً بیشتر شیواسخنی را مطمح نظر دارد.

ساختار کلی *فاتحه آداب انشاء*، بررسی فنون بدیعی و بلاغی از منظر نثر فارسی و ترسل و انشای رسمی است. در ادامه نوشتار، مندرجات فاتحه تا پایان، مورد بحث قرار می‌گیرد:

اولین ویژگی مذکور، اصطلاحی موسوم به «التقاط» است. نوربخشی «ملتقط» را این گونه تعریف کرده است: کسی که «التقاط فقرات شیرین نکات و عبارات عنبرین عطرات از منشآت غواصان بحار معانی و ترسلات ناظمان جواهر زواهر نکته دانی به دستیاری تفکر و مددکاری تدبیر نماید، او را ملتقط خوانند» (همان: ۴۱).

مقوله مورد توجه دیگر در *آداب انشاء*، آراستن مکتوب به فنون ادبی و استعاراتی است که «موافق عرف عام و مقارب کلام جمهور خواص و عوام باشد که عمده آن

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوری در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۵۵
فارسی و عربی و فرس قدیم است...» (همان: ۴۴)؛ آن هم به گونه‌ای که مخاطب، فهم
مراد و مقصود تواند کرد.

محسنه احصاشده بعدی، «ترصیع» است که به صورت انتقادی تحلیل شده است. در
این قسم نیز انواع ترصیع همراه با مثال بیان شده است؛ ترصیع تام و ترصیع ناقص
(همان: ۵۸-۵۹).

فنّ براعت استهلال نیز در ادامه به شیوه معهود نویسنده در خلال تعریف و ذکر
نمونه‌ها بررسی شده است: «براعت استهلال و آن در لغت، به بلندی رفتن است برای
جستن هلال و در این مقام، مراد التزام الفاظ و عبارات و کلمات و استعارات که به
لفظ یا معنی مناسب حال کاتب یا مکتوب^۱له یا مکتوب^۲الیه یا اصل مقصود و مدعا
باشد؛ مثال: مناسب طلب است تا سوار گرم‌رو مهر بر این رخس بادپای سپهر عنانی از
قوس قزح و رماح زر فام فرخنده فرجام از خطوط شعاع کثیرالارتفاع در رزمگاه ایام و
روزگار خجسته انجام برافرازد...» (همان: ۵۹-۶۰).

سپس به مقوله تشبیه پرداخته شده است. اهمیت مباحث بلاغی و بدیعی ذکر شده،
آن است که تقریباً برای نخستین بار در میان آثار بلاغت تعلیمی، یک نویسنده از زاویه
نثر فارسی به این محسنات بلاغی و بدیعی پرداخته، حتی به ذکر مثال‌های منثور ترسل
و انشاء مبادرت کرده است. مثال برای فنّ تشبیه: «نامه نامدار که به رابطه خامه
بدایع‌نگار به نام این ذره خاکسار و قطره بی‌مقدار مرقوم قلم افاده رقم شده بود،
کالوحی النازل من السماء از آسمان عزّ و علا شرف نزول و عزّ و ورود نمود...» (همان:
۶۰-۶۱).

فنّ بدیعی بعدی که از نظر نوری بخشی در نثر منشآت حائز ارزش فراوان است،
صنعت اقتباس است که به دو قسم اقتباس آیات و احادیث تقسیم شده است. پس از
این فنّ بلاغی، استعاره مورد بررسی قرار گرفته است. نوری بخشی، شرط اصلی در
استعاره را «مربوط و موافق عرف عام» بودن الفاظ استعاره دانسته است. مثال مذکور:
«لا يزال نهال گلزار اقبال و شاخسار جویبار افضال آن کریم الخصال عظیم المثل مظهر

ازهار جود و مکرمت...» (همان: ۶۴). برای فنّ استعاره، مثال‌های فراوانی ذکر شده که بیشتر نمونه‌ها، رشحات قلمی خود نویسنده است. آرایه بلاغی کنایه نیز از نظر نوربخشی دور نمانده و برای آن، مثال‌های بسیاری ذکر شده است.

در ادامه مطالب، آرایه اغراق از منظر فنّ انشاء به گونه‌ای بدیع، تعریف شده که ناظر به جنبه محتوایی آن در نثر منشآت است: «دیگر اغراق و آن غایت مبالغه است در بیان حکایت اشتیاق و شکایت آلام افتراق و امثال آن. مثال: در حدّت آلام دوری و شدت ایام مهجوری از درد فراق و محنت افتراق آب دیده پر خون و آتش دل مجنون به درجه‌ای رسیده و به مرتبه‌ای کشیده، که آستین از چشم اگر بردارم و دست از دهان، پر شود از آه و اشک من زمین و آسمان» (همان: ۷۲).

صنعت بررسیده بعدی، تفتّن است که از نگاه نگارنده اثر، «ایراد فقرات و عبارات مختلف اللفظ و المعنی است...» (همان: ۷۳) که نوعاً ذکر مترادفات در توصیف یک شخص یا امر و چیز خاصی است. فقره مذکور بعدی، آرایه مستزاد است. در ادامه آرایه‌های بدیعی، مدح شبیه به ذم و طرد و عکس نیز از زاویه نثر ترسّل بررسی و با نمونه‌های عینی ذکر شده‌اند. شایان توجه است که در میان آثار بلاغی فارسی، نویسندگان و بلاغیون عمدتاً به نظم و شعر فارسی استشهاد و استناد جسته‌اند، در حالی که *آداب انشاء* از این بابت، اثری جدید و بی‌سابقه به شمار می‌آید؛ مثلاً برای مدح شبیه به ذمّ که غالب شواهد آن در آثار بلاغی شعری است، چنین مثالی نقل کرده است: «رویش آفتاب درخشان، اما بی‌زوال و رایش خورشیدی نورافشان، لیکن در عین کمال، زلف او مشک ختن، لیکن پر پیچ و تاب...» (همان: ۷۶).

مقوله بدیعی بررسیده بعدی، تجاهل‌العارف و ایهام است. آرایه مذکور دیگر، لفّ و نشر است. در ادامه، مقوله تضمین را ذیل عنوان «درج ابیات» به سه قسم تعریف و تقسیم کرده است: «درج ابیات در درج فقرات و طیّ عبارات... بر سه نوع است: نوع اول که نظم و نثر هر دو به مثابه یک جمله باشند... نوع دوم که نظم و نثر هر کدام بر

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوری در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۵۷
استه، جمله تامه باشند، لیکن یکی در معنی مجدد و مؤکد آن... نوع سیوم که بینهما
مناسبتی از مناسبات لفظی یا معنوی قریباً او بعیداً منظور باشد... (همان: ۸۰-۸۳).

مقوله مراعات نظیر، ذیل نام «مراعات مناسبات» تعریف و بر چهار قسم منقسم شده
است: مراعات مناسبات زمانی... (همان: ۸۳). ذیل هریک از اجزای فرعی، مثال‌هایی
مناسب وقت ذکر شده است؛ از جمله «مناسب فصل زمستان...» و «مثال مناسب روز
نوروز». این قسم خاص در زمره مکاتیب مناسبتی است که البته در کتب دوره تیموری
نیز نمود یافته است. شیوه بیانی نوری بخشی در امثال این قضایا، اطناب است. نوع دوم،
«مراعات مناسبات مکانی» است. این قسم را مطابق امکان‌های چون ساکنان «مساجد و
معتکفان معابد و مشاهد» نگاهشته است. ذیل این قسم نیز مثال‌های متعددی ذکر شده
است. در همین قسم، مکتوب شرح اشتیاقی را هم نقل کرده است (همان: ۹۹). نوع
سوم، «در مراعات مناسبات ارباب مراتب و اصطلاحات اصحاب جاه و مناصب» است.
این قسم به سه بخش فرعی موسوم به لمعه طبقه‌بندی شده، لمعه اول «متضمن اصلاح
هر طایفه ایراد رفعات خجسته استعارات خواهد نمود...» (همان: ۱۰۱). برای این لمعه،
چهار مثال مناسب «سلاطین نامدار»، «ارباب سیاق»، «شعرا» و «حکما» (نوری بخشی، بی تا:
۱۰۲-۱۰۶) آورده شده است. قسم چهارم در مراعات مناسبات، «مراعات مناسبات
مدعیات و مقصودات و فرق میانه این قسم و براعت استهلال...» است. نوری بخشی
براعت استهلال را ذیل این قسم اخیر قرار داده است. برای این فن، مثال‌هایی خطاب
به اصناف گوناگون و در طبقه‌بندی‌های موضوعی چون «مناسب انشا»، «مناسب مهمات
تمغاوات»، «مناسب مهمات دارالضرب» و... نقل شده‌اند. (همان: ۱۰۹-۱۱۳).

صفت مورد بحث بعدی، «تصحیف» است که تقریباً با توجه به مثال‌هایی که ذکر
کرده، بین واژه‌ها، نوعی جناس خط و البته تبادر وجود دارد، «و جلیل که صورت
خلیل بر لوح خاطر می‌نگارد و همچنین از شکل فوآم قوام... به خاطر می‌رسد...»
(همان: ۱۱۴-۱۱۵). نوری بخشی نیز این قسم را متعلق به تجنیسات به حساب آورده است:
«و همچنان که در تجنیسات تمام و غیرتمام وارد شده، در تصحیفات نیز تمام مثل

مستوفی نسبت با مستوفی و غیرتمام مانند ماضی نسبت با اقصی وارد و متوارد می‌گردد» (همان: ۱۱۵). ذیل این مقوله، مثال‌های فراوانی آورده شده است.

مؤلف در ادامه، با ذکر مثالی قسم خاصی را «توشیح» نامیده است. این آرایه طبق کلام بلاغیون آن است که شاعر یا نویسنده در طی نظم یا نثر، کلماتی درج کند که چون آن‌ها را مرتباً خارج نمایند، کلامی جداگانه شود (وطواط، ۱۳۶۲: ۶۰؛ رادویانی، ۱۳۶۲: ۱۰۵؛ گرگانی، ۱۳۷۷: ۹۵؛ شمس قیس، ۱۳۶۰: ۳۹۴) که این سخن استخراج شده گاه بیت شعر یا «متضمن بیان مقصود یا نام و لقب کسی است» (همایی، ۱۳۷۶: ۸۲). نوربخشی در باب این صنعت می‌نویسد: «توشیح نوع اخیر که در مثال ثالث مودا شده، با توشیح به لفظ و توشیح به حرف و لفظ که بعد از این ادا نموده می‌شود، از صنایع مخترعه راقم این انشای عالم آراست. مثال توشیح به لفظ: درج شرف اختر برج ظفر، کان کرم گوهر بحر هنر» (نوربخشی، بی‌تا: ۱۱۶). نوربخشی برای توشیح، به گفته خود اقسامی ابداع کرده است. «مثال توشیح به حرف و لفظ که از الفاظ طرفین مسطور این انشای بلاغت انتما مطلعی که بر فوقش مکتوب شده و مستخرج گردیده و از حروف اوایل و اواخر آن الفاظ دعای خاتمه که در ذیل سمت تحریر یافته و صورت استخراج پذیرفته...» (همان: ۱۱۷). توجه فراوان نوربخشی به توشیح و اقسام آن و ذکر نمونه‌های بسیار، نشان‌دهنده رواج و رونق این صنعت معماگونه در ترسل و انشای دوره صفوی و نمایانگر نوعی انحطاط و فساد زبانی نثر است که به قصد ابراز توانایی کاتب و دبیر، نمود می‌یابد. نوربخشی برای اقسام سه‌گانه این فن، برای خویش فضل تقدیمی قائل شده و مثال‌های فراوانی ذکر کرده است. مؤلف در ادامه یاد کرد آرایه‌های لازم برای ترسل می‌نویسد: «... التزام هریک از محسنات مذکور فی الصدر است...» (همان: ۱۲۲).

مقوله بعدی، اظهار مضمّر است که برای آن، سه قسم و شرایطی را ذکر و مثال‌هایی نقل کرده است. نوربخشی در این قسمت به رعایت اختصار پرداخته و حوالت مخاطبان را جهت تفصیل بحث به لمعه سوم کرده است (همان: ۱۳۰). در

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوری در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۵۹
امتداد بررسی صنایع بدیعی انشاء در فاتحه، مبحث قلب مطرح شده است. مؤلف، قلب را به اقسام مستوی و غیرمستوی و هریک از این دو نوع را به مفرد و مرکب تقسیم کرده و نمونه‌هایی را جهت تبیین و تقریب مباحث ذکر کرده است. (همان: ۱۳۰).
از جمله ضمن بحث مقلوب، شواهدی از آثار خویش را درج کرده است: «مثال از گفتار این ذره خاک در مخبر از رسیدن هلال ابروی مهر آثار و یاسمن بوی لاله عذار...» و «دی سر اهل دم‌ها رسید، دیدم لاله و هلال دیدم، داد به مهرم مرحم بداد، داد و دیدش دید و داد...» (همان: ۱۳۲).

صنایع تحلیل‌شده بعدی اشتقاق و تصحیف مفید و غیرمفید است که آن را در دو قسم طبقه‌بندی کرده است (همان: ۱۳۷).

صنعت بررسیده بعدی در فاتحه اثر، «محمّل الوجّهین» است که به اطناب بسیار و با ذکر شواهد فراوان بررسی شده است. بیهوده نیست اگر گفته شود، این آرایه مطنب‌ترین بخش اثر را به خود اختصاص داده است (همان: ۱۴۳). نوری بخشی اقسام مختلفی را ضمن این مقوله بر شمرده است. برای احتراز از تطویل بحث، صرفاً به نقل تعریف این مقوله از آداب انشاء بسنده می‌شود: «دیگر صفت محمّل الوجّهین که عبارتی را از روی لفظ با معنی هر دو به دو وجهه یا بیشتر مأخوذ و معتبر نمود، اما به عبارتی که از روی لفظ محمّل آرد و به دو وجه یکی باشد، همچنان که در کلام فقها در کیفیت وضو جهت تعیین حصول غسل اعضا و لودهنای بالوجهین وارد شده به فتح دال که مراد نرمه باران و به ضم دال که روغن مالیدن است...» (همان: ۱۴۳).

پس از بحث مفصل درباره محمّل الوجّهین، به دو صنعت بلاغی تشبیه و استعاره پرداخته شده است. این دو مقوله هم با ذکر اقسام مختلف و نقل شواهد متعدد منظوم و منثور توأم شده است. در مثال‌های این بخش، به آیات قرآنی نیز استشهاد شده است. (همان: ۱۹۱-۱۹۲).

در ادامه، مقوله لغز بررسی شده است: «... و فی الحقیقه لغز نوعی است از کنایه که مستعاره و مشبه‌به بی‌مشبه مذکور می‌گردد...» (همان: ۱۹۳). با توجه به اینکه لغز‌گویی

و فن معمیات در عصر تیموری و صفوی رواج فراوانی یافته است، این مقال در آداب
انشاء به تفصیل و با نمونه‌های بسیار بررسی و تحلیل شده است.

نوربخشی، مقصود از استعمال کنایات و استعارات را عموماً در کلام و خصوصاً
در نثر، نوعی تلاش ذهنی و عقلی برای کشف صور غریبه می‌داند: «... و مقصود از
ملاحظه مصنوعات و ارتکاب صنایع کنایات و استعارات همین است که مدرکه از
محسوس پی به سر معقولی برد و متخیله از اثر استدلال به خود مؤثر و از صور انتقال به
وجود مصور نماید...» (همان: ۲۰۸).

پس از لغز، فنّ معماً آمده که پس از تعریف اصطلاحی این قسم، طبقات دوگانه
این فن برشمرده شده است. نوربخشی، قسم اول معمیات را «از خصایص منثورات و
نوع دوم را از مشترکات بین المنظومات و المنثورات» به حساب آورده است. وی
غرض از کاربرد این فن را «تعدیل اوهام و تغییر اذهان و افهام...» می‌داند. به هر تقدیر،
نوربخشی، فنّ معماً را به مثابه یک عنصر بسیار مهم بلاغی در نثر و به‌ویژه ترسل به
شمار آورده است (همان: ۲۰۸-۲۱۳). شایان ذکر است که نوربخشی از رساله معمیات
جامی نیز در ضمن بحث از اقسام معماً نام برده و مطالبی را نقل قول کرده است (همان:
۲۱۴). توجه وافر نوربخشی به محتمل الوجهن، لغز و معماً به‌نوعی نمایانگر انحطاط و
فساد فنّ ترسل و توجه بیش از حد به ظواهر کلام است تا جایی که معیار فضل و
توانایی مترسل به حساب می‌آید. در مثال‌های این قسم نیز نوربخشی، به ایضاح شواهد
دست زده است. پس از محتمل الوجهن مفصل‌ترین قسم بلاغی، فنّ معماًست. برای
اسامی متعددی چون حسین، علی، شهاب، عرفان، بابر و... در ضمن ابیاتی، طرح معماً
شده است (همان: ۲۳۲-۲۳۳).

فنّ بلاغی کنایه در ادامه، دست‌مایه بحث قرار گرفته است. کنایه، مطابق تعریف
نویسنده، به دو نوع تقسیم شده، به‌ویژه برای قسم دوم آن، مثال‌های متعددی ذکر شده
است (همان: ۲۳۳-۲۳۶). پس از کنایه، فنی موسوم به «اعمال حسابی» (همان: ۲۴۴)
ذکر شده و به پنج قسم تقسیم گشته است: «و آن بر پنج اسلوب است که اسم عددی

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوربخشی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۶۱
به قصد دلالت بر حرف معین مذکور شده، خواه در کلام دال مقصود اسم آن عدد
باشد و خواه غیر آن که هنگام استدلال به اسم مدلول عدد قصد نموده باشد...» (همان:
۲۴۴-۲۴۵) و نیز اسلوب رقمی که مبتنی بر حساب عقد انامل است (همان: ۲۵۰).
برخی اسالیب نیز چون اسلوب احصایی و اسلوب حرفی و انحصاری در ادامه برشمرده
شده است (همان: ۲۴۸-۲۴۹). مقوله تألیف و طبقه‌بندی آن در دو نوع اتّصالی و
مزجی نیز بررسی شده است. در همه اقسام اخیر اسامی به‌عنوان شاهد مثال در ضمن
ابیات درج و همه شواهد تحلیل شده‌اند.

فنون ادبی قلب کل جعلی، قلب بعضی وصفی، قلب بعضی جعلی و قلب کل
وصفی در ضمن اقسام معما طرح شده‌اند (همان: ۲۵۷-۲۵۹). با توجه به گستره حجمی
سه فن پایانی، باید *آداب انشاء* را اثری نسبتاً مستقل و ویژه در فن معما دانست. شایان
توجه آنکه فقط در نسخ مجلس و رضوی، بخش‌هایی از لمعه اول آورده شده است.
در دو برگه پایانی نسخه کتابخانه مجلس، به فهرست لمعه اول که مشتمل بر دوازده
ضوء است، اشاره شده، در هیچ‌یک از نسخ شش‌گانه اثر، متن لمعات و خاتمه، مذکور
نیست. به‌هرحال، آن‌گونه که نوربخشی در دیباچه وعده داده، اثر به فرجام نرسیده
است؛ شاید هم طرحی برای تکمیل و تمیم مطالب داشته و به سرانجام نرسانده است.

۲-۵. نکات حائز ذکر در مورد آداب انشاء: به‌دلیل ضیق مجال بحث،

متأسفانه امکان بررسی سبکی و نقد و مقایسه بلاغی اثر وجود ندارد. پرداختن به این
مقولات، مجال دیگری می‌طلبد. با وجود این، اهمّ ویژگی‌های سبکی و شیوه‌های بیان
مطالب به اختصار بیان می‌شود.

بهار، سبک عمومی نثر صفوی را ذیل «عنوان انحطاط» (بهار، ۱۳۸۶: ۲۵۵/۳-۲۵۶)
نثر بررسی کرده است و نثر این عصر را ادامه نثر تیموری با همه ضعف و فترت‌ها
می‌داند. آثار ترسل صفوی، اکثر قریب به اتفاق، در عداد نثرهای منشیان قرار
می‌گیرند. غالب منشیان، گرفتار تصنعات لفظی و معنوی بسیار و عبارت‌پردازی‌های

متکلفانه شده‌اند. علاوه بر این موضوع، اطناب ممل نیز خصیصه اصلی آثار انشای این عهد است. نثر آداب انشاء نیز نمودار نثر منشیانه رایج در عصر صفوی است.

۱. عربی‌گرایی و عربی‌نویسی، خصوصاً در مدایح اغراق‌آمیز دیباچه اثر مشهود است. گویا نوریبخشی جملات دعایی عربی را در مدح ممدوح رساتر می‌داند: «... لازل بناءها منصوباً بین الانام و لواءها مرفوعاً الی یوم القیام» (نوریبخشی، بی تا: ۱۵). در سایر مواضع متن نیز مؤلف از ذکر عبارات و واژه‌های فراوان عربی در ضمن عبارات ابا نمی‌کند: «تا منشیان دیوان «اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون» و کاتبان فرمان قضا جریان و «لقد کتبا فی زبور من بعد ذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» منشور شهرت شهریار و صحیفه خلافت و کامکاری را به طغرای غرای «انا جعلناک فی الارض خلیفه»...» (همان: ۵).

۲. استشهاد آیات و احادیث هم در متن اثر بسیار به چشم می‌آید. در برخی مواضع، آیات قرآن برای شاهد مثال نقل شده‌اند.

۳. استشهاد به اشعار از شعرای صاحب‌نام و گاه بی نام و نشان که غالباً برای تکمیل و تمیم مطلب و در بسیاری مواضع، در حکم شاهد مثال استفاده شده‌اند، مشهود است. مؤلف که از قریحه شاعری متوسطی برخوردار و متخلص به سید است، در جای جای متن، به اشعار خویش استناد جسته که معمولاً با قرینه «ذره خاکسار» همراه شده است. (همان: ۱۳۷). از بعضی از شعرا هم که در هیچ تذکره و منبعی نام و نشانی نیست، اشعاری نقل شده است (همان: ۱۳۳). ضمن بحث تصحیف، از یکی از شعرای ناشناخته دوران به نام «خواجه ابوالبرکه» نقل شعر نموده است: «... دیگر مشهور است که خواجه ابوالبرکه که از مشاهیر شعرای زمان، دانای پاکیزه‌ضمیر امیر علیشیر بوده و غزلی گفته...» (همان: ۱۴۱-۱۴۲). یکی از ابیات غزل مذکور به‌عنوان نمونه بحث تصحیف نقل شده است. از یکی از شعرای ناشناخته دیگر به نام «میرحکیمی طبسی» هم شاهد مثالی آورده شده (همان: ۱۹۰) و معمایی هم از شاعری به نام قاضی امیرحسین یزدی نقل شده است (همان: ۲۳۹).

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوری در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۶۳

۴. نثر شاعرانه و هنری نیز در *آداب انشاء*، نمودهایی متعدّد و فراوان دارد. برای نمونه، در ضمن مدح وزیر (میرمیران) و اوضاع امن زمان صدارت وی، نثر شاعرانه ملحوظ است: «... به جز حلقه کسی را یارا نبود که در مظلومی کوبد و به غیر از باد احدی را توانا نبود که به طریق دستبرد کاه یزکی از خرمن درویشی روبد، در حلقه دوران جز دیده عاشقان بر عذار معشوقان حیرانی نبود و در دور رخسار شاهد عدل و احسان پادشاه زمان به جز زلف سمن رویان و گیسوی یاسمن بویان پریشانی نمی‌نمود؛ به غیر از باد صبا که گریبان گل می‌درید، هیچ زبردستی را دست به گریبان زیردستی نمی‌رسید...» (همان: ۱۷-۱۸).

۵. از ویژگی‌های دیگر *آداب انشاء* که نوعی جنبه تفننی بدان بخشیده، ذکر حکایات مربوط به موضوع بحث است. نکته مهم در حکایت‌پردازی‌های نوری، اطناب ممل، توصیفات فراوان و لفاظی‌های حشوگونه است. نقل حکایت نه در بسامد بالا بلکه گاه‌گاه در ضمن مباحث، نمود داشته، از جمله حکایتی که در حاشیه اثر با عنوان «حکایت ملاموش» مسما شده است. برخی حکایات نیز چندسطری و بسیار موجزند. در باب برخی مشاهیر زمان، چون جامی نیز حکایاتی آورده شده است (همان: ۱۵۲-۱۵۱).

۶. از فواید دیگر اثر، برخی مباحث لغوی است که نویسنده به صورت نمونه‌مانند بدان‌ها پرداخته است: «... مثل آنکه در ممالک فارسی اصل خراج دیوانی را جمع می‌گویند و در بعضی از بلاد عراق، مثل بنیچه... می‌خوانند...» (همان: ۴۵-۴۶). نوری بخشی برای منشی ضروری می‌داند که «امثال این اصطلاحات» را بداند و در نگارش به اصل هر سرزمینی، از واژه ویژه آن جایگاه سود بجوید.

۷. مختصه اصلی معنایی نثر *آداب انشاء*، اطناب است که غالباً در موضع صفات و القاب نمود یافته است.

۸. نوری بخشی، نه عموماً، بلکه اختصاصاً صنایعی را بررسی کرده که در نثر فارسی، به‌ویژه نثر ترسل کاربرد دارند. مطابق شیوه نویسنده، ابتدا معنی لغوی و سپس تعریف

اصطلاحی هر آرایه‌ای نقل شده و سپس برای هر فقره مثال‌هایی از نثر ترسّل، آن گونه که مطمح نظر نوریخشی است، طرح شده است. اهمیّت نمونه‌های ذکر شده در *آداب انشاء* از آن روست که اغلب مثال‌ها منشور و مرتبط با نثر ترسّل فارسی‌اند، درحالی‌که آثار بلاغی زبان فارسی کاملاً رویکردی نظم‌محور دارند. این رویکرد در شمار نخستین کوشش‌های بلاغیون برای بومی‌سازی بلاغت نثر، به‌ویژه نثر ترسّل است. مثال‌هایی هم که از کلام مؤلف است، در متن با قرآینی معلوم و آشکار می‌شود. از ویژگی‌های شواهدی که برای مقولات بلاغی، چون محتمل الوجیهین ذکر شده، یکی آن است که گاه از شواهد قرآنی سود جسته و حتی نظرات نحوی و تفسیری برای مقولات برشمرده، ذکر کرده است (همان: ۱۵۳). در صفحه ۱۵۵ نیز قطعه‌ای از مؤلف مشتمل بر تحلیل و درج آیه قرآنی «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» آورده شده است. از نکات حائز ذکر دیگر در بُعد بلاغی، شرح و توضیح نمونه‌هاست که از منظر فنون بلاغی و مباحث نحوی بررسی شده‌اند (همان: ۱۹۵ و ۲۷۳).

۹. شیعی‌گرایی و تمایلات قوی نوریخشی از فحای بحث، کاملاً مشهود است؛ مقولاتی نظیر اثبات ولایت امیرالمؤمنین و خلافت ایشان پس از رسول گرامی اسلام (ص) (همان: ۱۵۹)، سب دشمنان اهل بیت (همان: ۱۶۳) و ستایش امامان معصوم (ع) که مکرراً در متن کتاب ذکر شده است. بیان وجوه شیعی تفاسیر قرآنی هم دست‌مایه بحث واقع شده است: «از قول حضرت ابی عبدالله علیه و آله صلوا له الله که علی بن ابراهیم... در تفسیر خود ذکر کرده... قاضی امیرحسین یزدی نیز... ایراد نموده که از حروف مقطعات قرآنی بعد از وضع مکررات «علی صراط حق تمسکه» که چهارده حرف است، به حصول پیوسته مناسب حال و متقارب احوال است» (همان: ۱۶۸-۱۶۹).

۱۰. برخی طبع‌آزمایی‌های بدیع در نثر نیز در *آداب انشاء* نمود یافته است، از جمله شهر آشوب منثوری که در زمره شواهد منشور نوشته شده است: «آن نوجوان خبّاز که در بازار حسن و ناز، دل زارم به آتش عشقش در سوز و گداز است، هر دو بازاری‌اند شمعی است در انجمن خوبی و نوجوانی است از پیش پادشاه عشق... و دل بی‌پرورای

متن‌شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوریخشی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۶۵
من پروانه‌وار از برای شمع رخسار آن لاله‌عذار می‌سوزد و هر دو پروا ندارند...» (همان:
۱۷۶).

۳. نتیجه

نوریخشی از منشیان، بلاغیون و شعرای عصر شاه طهماسب صفوی است که اطلاع چندانی درباره او در منابع متقدم و متأخر موجود نیست. مهم‌ترین اثر وی، *آداب انشاء* است که با نام‌هایی چون دستور انشاء و انشای عالم‌آرا نیز در فهرس نسخ خطی ثبت شده و بعضاً دو اثر جداگانه پنداشته شده‌اند. *آداب انشاء* در شمار یکی از ساختارمندترین و علمی‌ترین آثار انشای عصر صفوی است و از باب نظری و عملی، جامعیتی کم‌نظیر دارد. متأسفانه در جمیع نسخ باقی‌مانده اثر، متن بخش‌های سه‌گانه و خاتمه آن کتابت نشده و موجود نیست. با وجود این، مطالب مذکور در فاتحه اثر که در تمامی نسخه‌ها مذکور است، خود به تنهایی اثری مستقل در بدیع و بلاغت به شمار می‌آید. طبقه‌بندی اقسام انشاء در این قسمت، نشان‌دهنده رویکرد جامع‌نگر نوریخشی به فن انشاء و حاکی از استادی وی در این علم است. علاوه بر این، توصیه‌های بدیعی خطاب به منشیان مطرح شده است. از نکات بارز و بدیع نمود یافته در *آداب انشاء*، رویکرد انتقادی نوریخشی به ترسل فارسی است؛ به گونه‌ای که آثار متقدمان را از دریچه نقد نگریسته است. برجسته‌ترین و کم‌نظیرترین ویژگی اثر، بیان و بررسی آرایه‌های بلاغی و بدیعی از منظر نثر فارسی و به‌ویژه نثر ترسل و انشاست. درحقیقت، نوریخشی، مجموعه صناعاتی را که یک منشی باید بداند و در آثار قلمی خویش التقاط نماید، در *آداب انشاء* برشمرده است. مثال‌های مذکور برای صناعات برشمرده شده، اکثراً منشور و در موضوع دبیری و انشای رسمی‌اند. برخی شواهد هم از اشعار مؤلف و گاه شاعران کم‌نام و نشان روزگار مصنف آمده است. در برخی از مثال‌ها، نوریخشی به ایضاح نمونه نیز پرداخته است. در میان صنایع مطروح، بیشترین

حجم مربوط به محتمل الوجهین، لغز و معماست که نمایانگر تقید منشیان و مترسلان درباری به بازی‌های زبانی و بی‌توجهی به لبّ مفهوم و معنی در متن مکتوبات است.

منابع

- بهار، محمدتقی (۱۳۸۵)، **سبک‌شناسی: تاریخ تطوّر نثر فارسی**، جلد ۳، تهران: امیرکبیر.
- جهادی، سیدامیر (۱۳۹۳)، **توسل در عصر تیموری**، مجله کهن‌نامه ادب پارسی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۷۵-۹۸.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۰)، **دبیری و نویسندگی**، مجله هنر و مردم، شماره ۱۰۶، مرداد، صص ۲۷-۳۲.
- _____ (۱۳۵۰)، **دبیری و نویسندگی**، دوره ۹-۱۰، شماره ۱۰۹، صص ۴۶-۵۲.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، **فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران: (دنا)**، ج ۱، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- رادویانی، محمدبن عمر (۱۳۶۲)، **ترجمان البلاغه**، تصحیح احمد آتش، تهران: اساطیر.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۹۲)، **انواع نثر فارسی**، تهران: سمت.
- شمس قیس رازی (۱۳۶۰)، **المعجم فی معاییر اشعار العجم**، تصحیح محمد قزوینی، تهران: زوآر.
- صالحی، نصرالله (۱۳۸۰)، **کتاب‌شناسی توصیفی منشآت، مکاتبات و نامه‌ها**، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی و بهمن، صص ۱۵۲-۱۵۵.
- صفاء ذبیح‌الله (۱۳۸۲)، **تاریخ ادبیات در ایران**. جلد چهارم و پنجم، تهران: فردوس.
- گرگانی، شمس العلماء (۱۳۷۷)، **ابدع البدایع**. به اهتمام حسن جعفری، تبریز: احرار تبریز.
- نوربخشی، محمدبن ناصر الحق حسینی [بی‌تا]، **نسخه خطی انشای عالم‌آرا**، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۷۵۷.
- _____ [بی‌تا]، **نسخه خطی انشای عالم‌آرا**، محفوظ در کتابخانه ملی ایران به شماره ۵-۷۶۷۳.
- _____ [بی‌تا]، **نسخه خطی آداب انشاء**، محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۴۴۸۷.

- متن شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوری بخشی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی — ۶۷
- واحد، اسدالله (۱۳۷۸)، ترسل و انشای فارسی از آغاز تا قرن ششم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، پاییز، شماره ۱۷۲، صص ۱۲۱-۱۶۶.
- وطواط، رشید (۱۳۷۶)، حدائق السحر فی دقائق الشعر، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه طهوری و سنایی.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۶)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.

